

منوچهر جمالی

## چرا «ادیان نوری»، استوار بر تبعید شدن انسان از «جشنگاه» هستند؟

فقط «بینش» یهوه یا پدر آسمانی یا الله است  
که «سعادت» میآورند

مردم از مشتری و زُهره چرخ خود سعادت چرا طمع آرد؟  
انواری

نخستین کاری که خدایان نوری و توحیدی میکنند، اینست که انسان را از جشنگاه یا جشنزار، طرد و تبعید میکنند. در سفر پیدایش (باب دوم، تورات) میآید که «خداوند خدا، باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود و آن آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت». عدن، همان «ادونای»، یا ادوی نی نواز است که نام ماه اول هخامنشیا، بنام اوست (ادو کنیشت = دوشیزه ادو). و ادونای، همان نام روز جمعه است که «آدینه» باشد. چنانچه مسعود سعد سلمان گوید:

آدینه، مزاج زُهره دارد چون آمد، لهو و شادی آرد

## آفرینش جهان و انسان با موسیقی ۷

زهره که همان رام نی نواز (رام جید) باشد، این همانی با ادونای (آدینه) دارد. و در برهان قاطع دیده میشود که عروس ارغنون زن، و عروس جهان، زهره است، و عروس عدن، ماه یا قمر است. ولی هلال ماه، این همانی با رام داشته است. هرجا زهره (= رام) و مشتری (خرم = ارتا = صنم) هستند، که سعد اصغر و سعد اکبر باشند، جشنگاه و جشن زار و عروسی هست. این جشنگاه را هرجا مشتری (ارتا فرورد یا خرم) و رام باشند، میآفرینند. همین مشتری (خرم = ارتا) و رام، که در گوهر انسانها سرشته شده اند، و بُنمایه انسان را تشکیل میدهند، انسان را بدان میگمارند که گیتی را به جشنگاه خرم (باغ عدن) تبدیل کند. تا انسان با روشنائی خردش، میتواند به سعادت برسد، و شهر خرم را بسازد، خدایان نوری (یهوه + پدر آسمانی + الله)، نمیتوانند در میان مردمان، اعتباری پیدا کنند، و بر مردم حکومت کنند. اینست که نخست باید مشتری و زهره را از جهان، و طبعاً از بُن وجود انسانها (از فطرت انسانها) برانند یا فرو کوبند. به عبارت دیگر، انسان را ناتوان در جشن آفرینی بکنند. این «خدایان سرشته با گوهر انسانها» نیستند که از درون انسانها در گیتی جشن میآفرینند، بلکه این یهوه و پدر آسمانی و الله است که تنها جشن ساز و بهشت ساز، یا به عبارت دیگر سعادت آفرین است، و انسان با نور خردش، ناتوان از ساختن بهشت در گیتی، یا رسانیدن خود به سعادت هست. فقط با نور یا بینش یهوه یا پدر آسمانی یا الله است، که انسان میتواند به جشنگاهی که آنها میسازند، وارد شود. تبعید انسان از جشنگاه، هم تبعید خدایان رام و خرم (زهره و مشتری) است، هم «تبعید رام و خرم (= ارتا) از گوهر یا فطرت انسان» است. از انسان، نیروی بهشت سازی با خردش در گیتی، نه تنها طرد میگردد، بلکه حتا خردش، اصل طرد او، از جشن یا سعادت میگردد. اکنون انسانی که عقیم از نیروی جشن سازی با خردش هست، فقط به شرط اطاعت محض از بینش الله یا یهوه یا پدر آسمانی، میتواند حق ورود به بهشت را بیابد و به سعادت راه یابد.

ولی انسانی را که خدایان نوری، از بهشت یا از جشنگاه و سعادت، تبعید کرده اند، همیشه بهشتی را بیاد میآورد که خود با همکاری مشتری و زهره باهم ساخته بودند. مردم همیشه در آرزوی آنند که باز از نو، با همان مشتری و زهره، با همان خرم و رام که در گوهرشان سرشته است، خود با دست خود،

آفرینش جهان و انسان با موسیقی ۸  
 بهشت را در گیتی بسازند . همیشه بیاد آند که با ابتکار خود ، ساختن بهشت و  
 جشنگاه را در گیتی آغاز کنند . سعادت را که از اطاعت از قدرت مطلق  
 بدست میآید ، سعادت واقعی نمیشمارند ، و برای آن در بُن هستی اشان ارزشی  
 قائل نیستند .

پدرم روضه رضوان بدو گندم بفروخت    نا خلف باشم اگر من بجوی نفروشم  
 اکراه و نفرت از این بهشتی که یهوه و پدر آسمانی و الله ساخته ، در دل شعرای  
 بزرگ ایران جاداشته است . سعادت انسان ، سعادت است که با خرد خودش که  
 از جانش برآید ، بر پایه مهر ، با ابتکار خود ، یعنی آزادی خودش بسازد .